

# چند و چون جنبش دانشجویی دانشجویی

## در گفتگو با دکتر پرویز ورجاوند



● بعضی می‌گویند که در جو حاضر، دانشجویان ایران تحرک سیاسی کافی ندارند، آیا شما راجع به جنبش دانشجویی و روز دانشجو چه نظری دارید؟  
○ حرکت دانشجویی در ایران یعنی حرکت دانشجو از یک سو و حرکت دانش آموز از سوی دیگر یک حرکتی است که ریشه‌های آن را حداقل باید حول و حوش دوره‌ی مشروطیت به بعد مورد مطالعه قرار دهیم. اولتیماتوم روسیه در مورد اجرای شوستر و برخوردی که او با کسانی که خودشان را تحت حمایت روسیه تزاری قرار داده بودند، منجر به اولتیماتوم و حضور نیروهای گسترده‌ی روسیه به ایران و تعطیل مجلس شد. در آن زمان یکی از مؤثرترین تظاهرات در مقابل اولتیماتوم روسیه تزاری از سوی دانش‌آموزان این مملکت انجام شد، یعنی همین که تأسیسات جدید آموزشی در ایران شکل می‌گیرد، در این مکان‌های آموزشی حتا در دوران دبیرستان یک ذهنیتی وجود دارد که سبب می‌شود این نسل جوان را که با خواندن و نوشتن و با دانش‌های گوناگون آشنایی پیدا می‌کنند و گام‌های آغازین را در زمینه‌ی دانش‌اندوزی برمی‌دارند، همیشه یک دغدغه‌ی خاطر نسبت به مسأله‌ی استقلال کشور، سلطه‌ی بیگانه و نسبت به ساختار استبدادی حاکمیت داشته باشد.

این فعالیت‌های دانشجویی در قالب «نهضت مقاومت ایران» تداوم بیش‌تر پیدا می‌کند، یعنی همه‌ی نیروهای دانش‌آموزی و دانشجویی که در جریان نهضت ملی حضور داشتند، و در ابعاد گسترده‌اش تأثیرگذار بودند، از فردای کودتای ۲۸ مرداد با شکل گرفتن نهضت مقاومت ملی - که در واقع می‌توان آن را تداوم فعالیت جبهه‌ی ملی در قالب یک سازمان نیمه‌بیرزمنی دانست - نهضت دانشجویی یا در واقع تلاش‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در قالب نهضت مقاومت ادامه پیدا می‌کند.

● در سال‌های گذشته، در ۱۶ آذر تظاهراتی صورت می‌گرفت، سخنرانی می‌شد، قطع‌نامه می‌دادند، اما مثل این که امسال فعالیت مناسبی برای ۱۶ آذر طرح نشده؛ لطفاً نسبت به ۱۶ آذر اگر مطلبی دارید، بفرمایید.

○ پدیده‌ی ۱۶ آذر به اعتباری دنباله‌ی نقش دانشجویان در نهضت ملی ایران است، یعنی تداوم حرکتی است که دانشجویان و دانش‌آموزان در نهضت ملی داشتند.

در شرایط کنونی با توجه به گسترش سازمان‌های آموزش عالی در سطح کشور، ذهن جامعه در زمینه‌ی تظاهرات، موضع‌گیری‌ها، حضور در صحنه‌ی سیاسی و معترض بودن به مسایل مختلف، بیش‌ترین انتظارات را از دانشجویان طلب می‌کند، در حالی که یک نیروی گسترده‌تر و عظیم‌تر و بسیار پُرشمارتر از آن‌ها هستند که عبارتند از دانش‌آموزانی که می‌توان گفت سال دوم و سوم دبیرستان به بعد هستند و از نظر سطح شعور و شناخت می‌توانند در موضعی باشند که مسایل و منافع ملی را به‌روشنی درک کنند و در چارچوب این درک، قادر بر این باشند که در کنار نیروی دانشجویی یک نیروی بسیار گسترده‌ی میدانی را به‌وجود بیاورند. این نیروی دانش‌آموزان می‌تواند بسیار کارساز باشد.

پنجاه سال پیش، در جریان نهضت ملی غیر از دانشگاه تهران و دانش‌سرای عالی در سطح کشور و یک چیز کوچک و محدودی در تبریز، در دیگر شهرهای کشور، دیگر واحدهای دانشگاهی وجود نداشت. بنابراین نقش بسیار مؤثر مبارزات نهضت ملی ایران بر دوش نیروی دانش‌آموزی ویژه دبیرستان‌های معتبری مثل: دارالفنون، شرف، البرز و گروه پُرشمار از دبیرستان‌های آن زمان که در کنار نیروی دانشجویی مبارزات بسیار مؤثری را از حدود سال‌های ۲۶ به بعد آغاز می‌کنند و این تا جریان ملی‌شدن صنعت نفت تداوم پیدا می‌کند و در تمام طول دوران دولت دکتر مصدق ادامه دارد. از فردای کودتای ۲۸ مرداد،

● اکنون پنجاه سال از وقایع ۱۶ آذر گذشته، خاطرات حاضران در آن وقت، از جمله دکتر علی‌اکبر سیاسی، رییس دانشگاه، و شهادت شهود دیگر همه چاپ شده، آیا به‌نظر شما علل وقوع حادثه‌ی ۱۶ آذر چه بود؟

○ ۱۶ آذر را برخلاف آن‌چه که در بسیاری از موارد آن را به مسأله‌ی حضور معاون رییس‌جمهور امریکا در ایران مربوط می‌دانند، در اصل از چند روز قبل از آن به موضع‌گیری گسترده‌ی دانشجویان درباره‌ی دو مسأله‌ی بسیار اساسی برمی‌گردد: یکی، مسأله‌ی از سرگیری روابط سیاسی بین ایران و انگلیس، یعنی قطع رابطه‌ی که دکتر مصدق به‌دست دکتر فاطمی، وزیر امور خارجه، انجام داد و نخست کنسولگری‌های انگلیس را

بستند و با انگلیس قطع رابطه کردند و برای جلوگیری از دخالت‌های گسترده‌ی نمایندگی‌های انگلیس در ایران در جریان نهضت ملی، بلافاصله شما می‌بیند که اولین گامی که حکومت کودتا برمی‌دارد، این است که بتواند با انگلستان ایجاد ارتباط بکند و در کنار آن حاکمیت، دکتر مصدق را به دادگاه ببرد.

عمده‌ی موضع‌گیری‌های دانشجویان در این دو زمینه بود. از روزهای قبل از ۱۶ آذر در دانشگاه که بتوانند در مورد اعتراض به از سرگیری برقراری روابط انگلستان در شروع محاکمه‌ی دکتر مصدق دست به اعتراض‌های گسترده در محیط دانشگاه زدند. روز ۱۶ آذر روزی‌ست که قرار بود فردایش معاون ریاست جمهوری آمریکا به ایران بیاید، در واقع این یک نوع پیش‌دستی حاکمیت بود برای زهرچشم گرفتن از دانشجویان برای این که فضای امنی را به‌وجود آورند و در نتیجه تصور این را داشتند که می‌توانند زهرچشم بگیرند و به همین دلیل بدون این که دانشجویان در قالب یک تظاهرات گسترده حضور پیدا کرده باشند، این نیروهای سازمان‌یافته‌ی نظامی بودند که به محیط دانشگاه حمله کردند، وارد به دانشگاه و دانشکده‌ی فنی شدند و آن فاجعه‌ی بزرگ را در آنجا آفریدند و گروه بسیاری را مجروح کردند. سه نفر از چهره‌های ارزشمند نسل جوان آن زمان: قندچی، شریعت رضوی و بزرگ‌نیا، را از دانشجویان به شهادت رساندند و در نتیجه ۱۶ آذر به‌عنوان یک نقطه‌ی

چنگ نیروهای انتظامی نجات بخشند. می‌خواهم این توضیح را بدهم که رویداد ۱۶ آذر، جامعه‌ی ایران را که با آن حرکت کودتا تا حدی در خودش فرو رفته بود، و در وضعی قرار گرفته بود که در جامعه روحیه‌ی یأس به‌وجود آورده بود، آن رویداد باعث شد جامعه به خودش بیاید و به‌طور قابل ملاحظه‌ی واکنش نسبت به این برخورد تجاوزگرایانه‌ی حاکمیت گام به میدان گذاشت.

### • آیا وجهی غالب بر جنبش دانشجویی، باید یک جنبش سیاسی باشد، یا صنفی یا هر دو؟

○ جریان دانشجویی ایران دست‌کم از دوران نهضت ملی و بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیش از هر چیز به‌جای این که یک جریان صنفی باشد و موضع‌گیری‌های آن در قبال مسایل صنفی و دانشجویی باشد، تشکل آن و حضور آن و موضع‌گیری‌های آن همیشه در قبال مسایل بنیادین منافع ملی بوده است و این یکی از نکات حائز اهمیت در جنبش دانشجویی ایران می‌باشد که دانشجویان از موقعیت تشکل خودش به سود صنف خودش بهره نمی‌گیرد، بلکه اصلاً ذهنیت‌اش به دور از مسایل صنفی که به اعتبار گرفتن امکانات رفاهی‌ست، همیشه موضع‌گیری‌اش در چارچوبی صورت می‌گیرد که به مسأله‌ی استقلال کشور، از زیر سلطه بیرون آمدن، رودرروی با استبداد و برخورد با سلطه‌ی حاکمیت و اعتراض به عملکردهای حاکمیت برمی‌گردد و این یکی از ویژگی‌های حرکت نهضت ملی‌ست که از فردای کودتای ۲۸ مرداد آغاز می‌شود و در ۱۶ آذر یک نقطه‌ی بنیادین پیدا می‌کند که روز دانشجویان نام می‌گیرد و همه‌ساله در طول زمان، چه در رژیم گذشته و چه در این رژیم، دانشجویان سعی کردند که این روز را گرامی بدانند و هم رژیم گذشته و هم رژیم موجود همیشه نسبت به روز ۱۶ آذر یک حساسیت شدید و نگرانی‌های بسیار بالایی داشته و دارند.

بنابراین از این گفته نتیجه می‌گیریم که جنبش دانشجویی ایران از آن زمانی که بعد از برخوردهای شدید حاکمیت با محیط دانشگاه،



مهدی شریعت‌رضوی      مصطفی بزرگ‌نیا      احمد قندچی

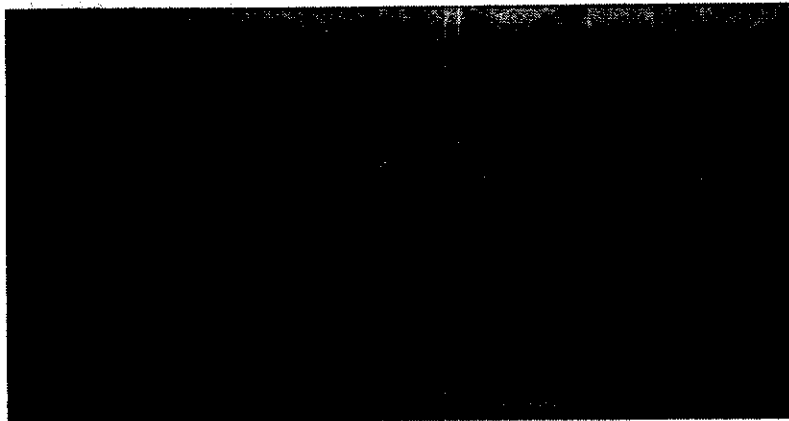
حرکت مجدد توانمند نهضت دانشجویی ایران بود در برابر حکومت کودتا که بعد از این حمله و بعد از این سرکوب‌گری و خونریزی و کشتاری که در دانشگاه شد، جامعه به شدت به هیجان آمد و من که در تمامی مراسم ختم این دانشجویان شرکت کردم، از جمله در قنات‌آباد که محل زندگی قندچی بود و او از بچه‌های جبهه‌ی ملی بود و ما در آنجا مراسم ختمی برگزار کردیم که تمام اعضای دانشگاه تهران، هیأت علمی، رئیس دانشگاه تهران، دکتر علی‌اکبر سیاسی، در آنجا شرکت کردند و جالب است که دکتر سیاسی در آنجا پیرو صحبت‌هایی که یکی دو نفر از جمله من کردیم و به این جمله اعتراض کردیم، این سخن مهم را گفت که: این حمله‌ی که به دانشگاه تهران به‌وسیله‌ی حکومت انجام شد، از اینار مغول کوبنده‌تر و وحشتناک‌تر بود و این نشان‌دهنده‌ی این است که حتا فردی با ویژگی‌های دکتر سیاسی که کم‌تر دست به موضع‌گیری می‌زد، آن قدر تحت تأثیر این رویداد خونین قرار گرفته بود که به این صورت در مقابل حاکمیت موضع گرفت. بنابراین ۱۶ آذر یک نقطه‌ی چشم‌گیری شد در تداوم بخشیدن به مبارزات، به‌دلیل آن که ما در سوم، هفتم، و چهلم این شهدا در تمام موارد بهره جستیم، در مراسمی که در این بابویه سر مزار آن‌ها برپا کردیم، اعلامیه پخش کردیم. در آنجا توانستیم با فریاد از درون یکی از مقبره‌هایی که در نزدیکی مزار این شهدا بود، اعلام یک دقیقه سکوت کردیم. در آن موقع هنوز ساواک وجود نداشت. از طرف حکومت نظامی آمدند و به‌شدت برخورد کردند.

ولی یکی از نکات قابل توجه این است که تمام مردمی که در مراسم شرکت کرده بودند، مردها و زن‌ها سعی کردند به نحوی عمل کنند که شمار زیادی از ما را بتوانند از

یک مینیاتور در مقابل یک پدیده‌ی بسیار کلان در طول تاریخ نهضت دانشجویی است. مسأله‌ی برخورد شدید حاکمیت با روزنامه‌نگاری و روزنامه‌ها و بیان آزاد اندیشه، حرکت‌هایی هم‌چون پدیده‌ی ۱۸ تیر را به‌وجود آوردند. در کم‌تر کشوری شاهد هستیم که یک چنین ایلغاری را به مکان خواب و در هنگام خواب به یک مجتمع خوابگاهی دانشجویی وارد بشود. پدیده‌ی که دوباره در سالگرد ۱۸ تیر همین حرکت را حاکمیت تکرار می‌کند.

### ● در حال حاضر، به‌نظر شما جنبش دانشجویی چه ویژگی‌هایی دارد؟

○ نهضت جنبش دانشجویی هنرش در این است که خودش را روی در روی مستقیم با قدرت حاکمیت قرار می‌دهد. در این‌جا کم‌ترین اطمینانی که دانشجویی می‌بیند این است که زندان می‌رود، یک یا دو ترم از تحصیل عقب می‌ماند، ناگزیر شود حتا اخراج از محیط دانشگاه را بپذیرد، یا به زندانی‌های طولانی‌مدت رفتن تن در دهد. اکنون در بین دانشجویان شماری هستند که به ناصواب‌ترین وضع ممکن فقط به‌دلیل این‌که نشانه‌ی جنایت گروهی را که به کوی دانشگاه حمله کرده و دانشجویان را مجروح و مضروب نموده‌اند و یک نفر را به شهادت رسانده‌اند و این شخص، پیراهن خونین یک نفر را نشان می‌دهد، حاصلش این می‌شود که این شخص سالیان دراز الان در درون زندان به‌سر می‌برد. دانشجویان به مناسبت‌های مختلف در برابر دفتر سازمان ملل متحد دست به تحصن زده و می‌زنند و این منجر به این شده است که آن‌ها را دستگیر کنند و به زندان ببرند و به گونه‌ی بسیار بدی با برخوردهای شدید و ضرب و شتم‌ها و مدت‌های طولانی در زندان نگاه داشتن با این‌ها برخورد کنند. تعدادی از دانشجویان واحدهای آموزش عالی در شهرستان‌های مختلف با سپردن وثیقه‌های سنگین دست کم آزاد نشده باشند یعنی اکنون یک گروه پُرشمار چند هزار نفری از دانشجویان در سراسر کشور وجود دارند که اینان در دادگاه‌های مختلف پرونده دارند و با



به تعطیل کشاندن دانشگاه از تصفیه‌ی استادان گرفتن تا دانشجویان مختلف، از آن زمانی که دومرتبه ناگزیر به بازگشایی دانشگاه شدند، دانشجویان باز در این مرحله به مسایل صنفی در پیوند با منافع رفاهی خودش بی‌توجه بوده‌اند و تلاش‌شان بر این بوده است که تقاضاهای اساسی را مطرح کنند که در دوران بعد از انقلاب به یکی از مهم‌ترین مسایل، یعنی توجه دانشجویان به مسأله‌ی آزادی و استقرار ساختار مردم‌سالاری در ایران برمی‌گردد.

### ● در مقام مقایسه‌ی فعالیت سیاسی دانشجویان در قبل از انقلاب با فعالیت‌های بعد از انقلاب چه نظری دارید؟ لطفاً مخصوصاً از فعالیت‌های اخیر جنبش دانشجویی بگویید.

○ هلمه‌ی این حرکتی که طی این بیست و چند سال صورت گرفته، حول دو محور اساسی و بنیادین بوده: این‌که جامعه‌ی دانشجویی و جنبش دانشجویی مسأله‌ی «آزادی» را به‌معنای وسیع کلمه که آن را حامل رشد جامعه، باروری فرهنگ جامعه، پویاساختن جامعه می‌داند و معتقد است که بندهایی که به دست و پای صاحبان قلم و اندیشه بسته شده، باید گسسته شود. نسل امروز مملکت به‌خصوص فرهیختگان و کسانی که در جریان جنبش دانش‌آموزی هستند، به این اعتقاد در جنبش ایمان دارند که ما تحصیل را ادامه می‌دهیم تا تخصص بگیریم، در موقعیت کارشناسی قرار بگیریم و این تخصص و قدرت کارشناسی‌مان را به‌صورت توان مغزی در خدمت رشد جامعه قرار دهیم و به این دلیل، جامعه زمانی می‌تواند به رشد دسترسی پیدا کند و توسعه‌ی پایداری را به‌وجود بیاورد که با توانمندی در قبال مسایل مختلف آزادانه بیان‌دیشد و این اندیشه را بیان کند؛ به نقد دیگران بگذارد و با نقدی که بر آن صورت می‌گیرد، این تفکر و اندیشه و استراتژی و هدف‌هایی را که برمی‌گزینند، با پالایش آن در مسیری قرار می‌دهد که بتواند برای پیشرفت واقعی جامعه و پویایی جامعه‌ی که می‌خواهد به توسعه‌ی توانمندانه دسترسی پیدا کند، قرار بگیرد.

در بررسی روند مبارزات جنبش دانشجویی در طول این دو دهه‌ی گذشته، جنبش دانشجویی تلاش می‌کند که فضا را از حالت بسته‌بودن و سرکوب‌شدن تا حد ممکن دور کند، یعنی اگر دانشجویان تجمعی را به‌وجود بیاورند، اگر در موارد مختلف دست به تظاهرات بزنند یا در بیرون محیط دانشگاه گردهم‌آیی کنند و یا در برخی موارد نسبت به مسایل جامعه، نسبت به عملکرد حاکمیت، موضع‌گیری‌های شدید از خود نشان می‌دهند.

### ● مهم‌ترین مقطع فعالیت دانشجویی در سال‌های اخیر چه بود و مخصوصاً شخص شما راجع به تعامل حاکمیت با جنبش دانشجویی چه نظری دارید؟

○ ۱۸ تیر فاجعه‌ی سیست که در تاریخ ایران کم‌نظیر است، یعنی اگر بخواهیم واقعه‌ی ۱۸ تیر را با ۱۶ آذر مقایسه کنیم، اصلاً قابل مقایسه نیست. ۱۶ آذر، یک پدیده‌ی کوچک،





**حاکمیت سعی کرده است که در جنبش دانشجویی شکاف بیندازد و در درون «دفتر تحکیم وحدت» یک حرکت دوگانه - یک اقلیت و یک اکثریت - به وجود بیاورد؛ اما گروه اقلیت از اعتبار و وزنی که حمایت جامعه و دانشجویان را داشته باشد، بی بهره است و گروه اکثریت، قدرت را در اختیار دارد و سنگین ترین خسارت‌ها را به جان می‌خرد.**



سپردن وثیقه خودشان را در موقعیت بسیار بدی قرار داده‌اند، چرا؟ چون وثیقه‌ی ۳۰ میلیون تومانی برای یک شهر درجه‌ی ۲ یا ۳ مشکل است. بنابراین برای بیرون آوردن یک دانشجو دایی و عمه و عمو... ناگزیر هستند که سندهای کوچک‌شان را ببرند و بگذارند، یعنی کل جامعه را با این مسأله درگیر می‌کنند.

دانشجویان به دلیل اهمیتی که برای رسالت خود قائل‌اند بدون هیچ پروایی همه‌ی این مراحل نگران‌کننده را به استقبال می‌روند، نمونه‌ی درخشان این مسأله جریان‌ست به نام جریان «دفتر تحکیم وحدت» که حاکمیت سعی کرد آن را سامان‌دهی کند، ولی حاکمیت وقتی متوجه شد که در محیط‌های دانشگاهی نمی‌تواند موفق شود، تلاشش را بر این گذاشت که خودش سازمان‌هایی را ساخته و پرداخته کند که با حمایت مالی و امکاناتی که می‌دهد آن را مطرح کند و دانشجویان را از این که به دنبال سازمان‌های دیگر بروند، باز بدارد. ذهنیت حاکمیت این بود که یک سازمان گسترده‌ی دانشجویی را به وجود بیاورد که این در تمامی ابعاد در اختیار حاکمیت باشد، ولی اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در تشکیل آن انجمن‌ها شرکت کردند، اعتقادی نظیر اعتقاد حاکمیت نداشتند، لذا گام به گام هوشمندانه از این فرصتی که حاکمیت می‌خواست از آن بهره‌برداری کند، دانشجویان بهره جستند و توانستند انجمن‌ها را سامان‌دهی کنند و به تدریج همان‌طور که توقعات مردم و

خواسته‌های ملت در مسیر کلان استقلال، آزادی و مردم‌سالاری در این مملکت رو به توسعه گذاشت، مردم رفتند به سوی این که حاکمیت در زمینه‌ی استقرار حاکمیت ملی تن بدهد و این پدیده را بپذیرد که مجلس باید آزاد باشد، بپذیرد که روزنامه‌ها باید آزاد باشند، دانشجویان توانستند یک پوشش گسترده‌ی بی این حرکت بدهند، تا به مرحله‌ی که امروز با همه‌ی تلاش‌هایی که حاکمیت کرده است که بتواند در درون تحکیم وحدت یک حرکت دوگانه به وجود بیاورد، یک اقلیت و یک اکثریت به وجود بیاورد. اولاً گروه اقلیت از یک اعتبار و وزنی که حمایت جامعه و دانشجویان را داشته باشد، بی بهره است. هم‌چنان گروه اکثریت که موضع شدید در مقابل عملکرد حاکمیت دارد، قدرت را در تمامی ابعاد در اختیار دارد و در عین حال در برابر فشارهایی که امروز حاکمیت وارد می‌آورد، سنگین‌ترین خسارت‌ها را به جان می‌خورد. شماری از دانشجویان به زندان رفتند و تحت فشار قرار گرفتند، ولی هنوز دست بر نمی‌دارند.

● **ایا خود شما اطلاع مستقیمی از جنبش دانشجویی دارید؟**

○ بله، مفصل. از جمله باید ضمن سپاسگزاری از مقاومت دانشجویان دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، بگویم که مردم بدانند دانشجویان ما چه قدر صادقانه حرکت می‌کنند. چندین مرتبه این‌ها از آبادان از من دعوت کردند که به این دانشگاه برای سخنرانی بروم، همیشه با مخالفت مقامات امنیتی و اطلاعاتی مواجه شده است. بار آخر دانشجویان توانستند موافقت همه‌ی ارگان‌ها را بگیرند، مجوز را گرفتند، ولی سه روز قبل گروهی به نام بسیج دانشگاه یک اعلامیه‌ی ۴ صفحه‌ای علیه جبهه‌ی ملی و حضور من در آن دانشگاه منتشر کرد و این شد که آقای رییس دانشگاه، دقیقاً در حالتی که من در درون هواپیما میان راه تهران و آبادان قرار داشتم، در حالی که ساعت شش باید جلسه شروع می‌شد، اعلام کردند که اجازه‌ی برگزاری این مراسم را نداریم. ■

